

رابرت وانوی ، پیامبران بزرگ، سخنرانی ۵

اشعیا ۱: ۵-۱۸: ۶ داوری تا برکت

اشعیا ۱: ۵-۱۸: ۶ داوری تا برکت

بیابید به فصل ۱: ۵ تا ۱۸: ۶ به عنوان آخرین بخش از شش فصل اول کتاب یرویم. تاکنون دو بخش را دیده‌ایم که با داوری شروع می‌شوند و با برکت آینده پایان می‌یابند. مورد اول داوری و سپس برکت در آینده‌ای بسیار دور، یعنی هزاره بود. مورد دوم داوری و سپس برکت در آینده‌ای کمتر دور بود که من آن را به زمان حال اشاره می‌کنم. در بخش سوم، دوباره، داوری را داریم و با برکت به پایان می‌رسد، اما برکتی که بیشتر توسط خود اشعیا تجربه شده است. می‌بینید که بخشی که در اشعیا ۱: ۶-۱۳ به پایان می‌رسد، همان فصلی است که با آن آشنا هستید، جایی که اشعیا رؤیایی از خداوند می‌بیند. خداوند زغال‌ها را از روی قربانگاه برمی‌دارد و اشعیا را مسح می‌کند تا کلام خود را به مردم برساند. بنابراین از این نظر، می‌بینید که با این سه بخش، از آینده‌ای بسیار دور، آینده‌ای کمتر دور، به زمانی معاصر با خود اشعیا حرکت می‌کنید.

اما بیابید برگردیم - و باز هم من قصد ندارم اشعیا ۵ - ناامیدی خدا از قومش - مجموعه‌ای از مصیبت‌ها زیاد در مورد این بخش بحث کنم - می‌خواهم ادامه دهم. اما فصل ۵، فصل مصیبت است. این فصل ناامیدی خدا از قومش را توصیف می‌کند. باز هم، از یک شکل استفاده می‌کند. شکل اینجا تصویر یک تاکستان است. فصل آیه ۱، می‌گوید: «برای کسی که دوستش دارم، سرودی در وصف تاکستانش خواهم سرود. محبوب من، تاکستانی در دامنه تپه‌ای حاصلخیز داشت. او آن را از سنگ پاک کرد و بهترین تاک‌ها را در آن کاشت. او در آن برج دیدهبانی ساخت و همچنین یک چرخشت کند. سپس به دنبال محصول انگور خوب گشت، اما فقط میوه بد داد. اکنون شما ساکنان اورشلیم و مردان یهودا، بین من و تاکستانم قضاوت کنید. چه کار دیگری می‌توانست برای تاکستان من انجام شود جز اینکه من برای آن انجام دادم؟ وقتی به دنبال انگور خوب بودم، چرا فقط میوه بد داد؟ اکنون به شما می‌گویم که با تاکستانم چه خواهم کرد: پرچین آن را برمی‌دارم. ویران خواهد شد. دیوار آن را خراب می‌کنم، پایمال خواهد شد. آن را به بیابانی تبدیل می‌کنم که نه هرس شود و نه کشت شود. خار و خس در آنجا رشد خواهند کرد. به ابرها دستور می‌دهم که بر آن نیارند.» تاکستان خداوند متعال، خاندان اسرائیل است و مردان یهودا، باغ شادی او هستند. و او به دنبال عدالت بود، اما خونریزی دید، به دنبال عدالت بود، اما فریادهای پریشانی شنید.

بنابراین، در زیر تصویر این تاکستان که خدا از آن مراقبت کرده است، اما میوه‌ای نداده است، خداوند می‌گوید که عدالت را برقرار خواهد کرد؛ او آن را ویران خواهد کرد. و آنچه در ادامه، در آیه ۸ و بعد، آمده است، مجموعه‌ای از شش بلا است که بر این قوم بی‌خدا اسرائیل نازل شده است. به آیه ۸ توجه کنید: «وای بر شما

که خانه را به خانه می‌افزایید و مزرعه را به مزرعه پیوند می‌دهید تا جایی باقی نماند «آیه ۱۱»: وای بر شما که صبح‌ها برمی‌خیزید تا به دنبال نوشیدنی‌های خود بدوید، و شب‌ها تا دیروقت بیدار می‌مانید تا از شراب بسوزید.» آیه ۱۸: «وای بر کسانی که گناه را با ریسمان‌های فریب و شرارت مانند طناب‌های ارابه می‌کشند.» آیه ۲۰: وای بر کسانی که بدی را خوب و خوبی را بد می‌نامند «۲۱»: وای بر کسانی که در نظر خود حکیم و در نظر خود زیرک هستند «۲۲»: وای بر کسانی که در نوشیدن شراب قهرمانند، و در مخلوط کردن نوشیدنی‌ها قهرمانان «بنابراین، آن سلسله مصیبت‌ها بر این قوم بی‌خدا نازل شده است.

از آن باغبانی کوچکی که انجام داده‌ام، می‌توانم تصویر اشعیا را تصور کنم. می‌دانید که سخت کار می‌کنید: می‌کارید، و سپس خشکسالی می‌شود و هیچ چیزی از آن به دست نمی‌آورد، و می‌توانید بگویید که آن را فراموش کنید. به نظر من کاملاً در قلمرو امکان است. کسی تمام این کار و تلاش را صرف کرده است - در اینجا، در این مورد، تاکستان‌ها، که - از آنچه در مورد تاکستان‌ها خوانده‌ام - این یک کار بسیار دشوار است. به مهارت و دانش فنی زیادی و مدت زمان طولانی برای توسعه آن نیاز است. بنابراین شما تمام آن تلاش را صرف آن می‌کنید، و سپس، به هر دلیلی، چیزی به دست نمی‌آورد. می‌توانید فقط بگویید: "خب، من فقط آن را شخم می‌زنم. و از نو شروع می‌کنم." خدا هرس می‌کند، در آتش می‌اندازد و سوزانده می‌شود.

اشعیا 6: 1-13 برکت برای پیامبر

این تصویر در آیات ۱: ۵ تا انتهای فصل آمده است؛ سپس به آیات ۱: ۶ تا ۱۳ می‌رسیم که فصل برکت است. حال، این برکت در درجه اول برای پیامبر است زیرا خداوند اشعیا را مسح می‌کند تا کلام خدا را به مردم برساند. شما با دعوت اشعیا آشنا هستید. من در درجه اول به پیامبر می‌گویم، اما منحصرأ این نیست. مردم، در بیشتر موارد، به اشعیا گوش نخواهند داد. به اشعیا گفته شده است که آنها پاسخ نخواهند داد، اما فصل همچنان با نکته‌ای از برکت برای مردم به پایان می‌رسد. در فصل ۶، آیه ۱۱ می‌بینید که اشعیا می‌گوید: «ای خداوند، تا کی؟» «می‌بینید، آنها گوش نخواهند داد،» و او پاسخ داد: «تا زمانی که شهرها ویران و خالی از سکنه شوند، تا زمانی که خانه‌ها متروک و مزارع ویران و ویران شوند.» «این به داوری آینده، تبعید، اشاره دارد،» تا زمانی که خداوند همه را به دوردست‌ها بفرستد و زمین کاملاً متروک شود «اما سپس آیه ۱۳»: «و اگرچه یک دهم در زمین باقی بماند، دوباره ویران خواهد شد. اما همانطور که درخت چنار و بلوط وقتی بریده می‌شوند، کنده‌ها را به جا می‌گذارند، بذر مقدس نیز کنده در زمین خواهد بود.» به نظر می‌رسد آنچه خدا در اینجا از طریق اشعیا می‌گوید این است که پس از تبعید، بقایایی و سپس بقایایی از یک باقیمانده وجود خواهد داشت، بنابراین قوم خدا حفظ خواهد شد. اسرائیل کاملاً محو یا نابود نخواهد شد. هیچ چیز نمی‌تواند قوم خدا را کاملاً نابود کند تا زمانی که وعده‌ها از طریق آنها در مسیح، با آمدن مسیح، محقق شوند. بنابراین کنده‌ها باقی خواهند ماند. هنوز کنده درخت آنجاست، و هنوز در کنده درخت حیات وجود دارد. اینجاست که ایده شاخه مطرح می‌شود: قرار است جوانه‌ای باشد که از

آنچه باقی مانده است، از زندگی که باقی مانده است، بیرون بیاید. بنابراین اشاره‌ای به برکت در آنجا وجود دارد. مردمی که در حفظ بازماندگان، در تمام دآوری که تجربه خواهند کرد، هستند، هنوز باید امید داشته باشند.

بیباید به شماره ۲ برویم. به طرح کلی خود برگردید. ما محتوای اشعیا و ۱ L اشعیا ۱۲:۷ کتاب عمانوئیل را بررسی می‌کنیم. در طرح کلی اشعیا ۱-۶ است؛ ۲-۷-۱۲ است. این بخش بعدی در ساختار است که اغلب به دلیل اشاره به عمانوئیل در فصل ۷، آیه ۱۴، «کتاب عمانوئیل» نامیده می‌شود. بنابراین بیباید به اشعیا ۷-۱۲، کتاب عمانوئیل «نگاهی بیندازیم. این بخش احتمالاً یکی از شناخته‌شده‌ترین بخش‌های کتاب است. در عهد جدید» نقل شده است. در آن اشارات روشنی به آمدن مسیح وجود دارد. اما این بخشی است که پیشینه تاریخی آن بسیار مهم است.

در ۷:۱ می‌خوانید: «هنگامی که آحاز پسر یوتام، پسر عزیا، پیشینه تاریخی [اشعیا ۱:۷] اتحاد آحاز با آشور پادشاه یهودا بود، رصین پادشاه ارام و فح پسر رملیا پادشاه اسرائیل برای جنگ با اورشلیم لشکرکشی کردند، اما نتوانستند بر آن غلبه کنند. اکنون به خاندان داوود خبر رسید که ارام با افرایم متحد شده است.» پس دل آحاز و «قومش لرزید، همانطور که درختان جنگل از باد می‌لرزند»

او طرحی اولیه از پیشینه تاریخی است. رزین و پگاه: رزین دمشق، پگاه پادشاهی شمالی، به آحاز یهودا حمله کرد. مردم یهودا ترسیده‌اند زیرا توسط ائتلافی بسیار قدرتمندتر از خود یهودا مورد حمله قرار گرفته‌اند. اسرائیل از یهودا قدرتمندتر بود و سوریه از اسرائیل قدرتمندتر. این دو با هم متحد شده بودند تا به یهودا حمله کنند. هدف از این حمله را که در فصل ۷، آیه ۶ می‌خوانید، می‌گویند: «بیباید به یهودا حمله کنیم؛ آن را تکه‌تکه کنیم، بین خود تقسیم کنیم و طبنیل را بر آن پادشاه کنیم.» بنابراین هدف این بود که آحاز را جایگزین کنند و دست‌نشانده خود را در یهودا به قدرت برسانند، کسی که با آنها همکاری کند. و به طور کلی تصور این است که آنچه آنها می‌خواستند کسی بود که بر تخت سلطنت یهودا بنشیند و با آنها در مخالفت با آشور همکاری کند. آحاز نمی‌خواست با آنها علیه آشور متحد شود. آنها کسی را می‌خواستند که این کار را بکند. حال، جزئیات بیشتری از آن پیشینه تاریخی را می‌توان در دوم پادشاهان ۱۶ و دوم تواریخ ۲۸ یافت. اگر به دوم پادشاهان ۱۶ نگاه کنید، در آیه ۵ متوجه می‌شوید: «آنگاه رزین، پادشاه ارام (سوریه)، فح پسر رملیا، پادشاه اسرائیل، برای جنگ با اورشلیم لشکر کشید و آحاز را محاصره کرد.» به آیه ۷ نگاه کنید. «آحاز رسولانی نزد تغلت‌پیلسر، پادشاه آشور، فرستاد: «من بنده و فرمانبردار تو هستم. بیا و مرا از دست پادشاه ارام (سوریه) و پادشاه اسرائیل که به من حمله می‌کنند، نجات بده.» و آحاز نقره و طلایی را که در معبد خداوند و در خزانه‌های کاخ سلطنتی یافت می‌شد، گرفت و به عنوان هدیه برای پادشاه آشور فرستاد.» و می‌خوانید: «پادشاه آشور با حمله به دمشق، آن را گردآوری کرد و تصرف نمود. سپس آحاز به دمشق رفت و با تغلت‌پیلسر ملاقات کرد.» بنابراین جزئیات بیشتری در دوم پادشاهان ۱۶ و

دوم تواریخ ۲۸ آمده است، اما آنچه می‌آموزیم این است که در موقعیتی که در فصل ۷ اشعیا توصیف شده است، وقتی آحاز توسط رزین و یکج تهدید می‌شود، به تیگلت-پیلسر، پادشاه آشور، روی می‌آورد و فرستاده خود را با خراج نزد تیگلت-پیلسر می‌فرستد و درخواست کمک می‌کند.

حالا، من فکر می‌کنم کاملاً محتمل است که این اتفاق قبلاً افتاده باشد. او قبلاً با آشور تماس گرفته بود، وقتی به این موقعیت خاص در اشعیا فصل ۷ می‌رسیم، زیرا آنچه خداوند به اشعیا می‌گوید در آیه ۳ است: «تو و پسر ت شاریاشوب بیرون بروید تا آحاز را در انتهای قنات برکه بالایی در جاده مزرعه رختشوی ملاقات کنید.» به آن موقعیت جغرافیایی توجه کنید: «انتهای قنات برکه بالایی در جاده مزرعه رختشوی.» آنجا جایی است که آب شهر تأمین می‌شد و او احتمالاً در حال انجام کاری برای تقویت دفاع شهر در برابر حمله این پادشاهان از شمال است. و خداوند به اشعیا می‌گوید: «به آن مکان برو و این پیام را به او برسان.» این پیام از فصل ۷، آیه ۴ و پس از آن آمده است: «به او بگو: مراقب باش، آرام باش، نترس. به خاطر این دو تکه هیزم دودآلود، دلسرد نشو - به خاطر خشم شدید رصین و آرام و پسر رملیا. آرام، افرایم و پسر رملیا نقشه نابودی تو را کشیده‌اند و گفته‌اند: بیایید به یهودا حمله کنیم. آن را تکه‌تکه کنیم، بین خود تقسیم کنیم و پسر طنبیل را بر آن پادشاه کنیم.» «با این حال، این چیزی است که خداوند متعال می‌گوید: «این اتفاق نخواهد افتاد، این اتفاق نخواهد افتاد»، زیرا سر آرام دمشق است و سر دمشق فقط رزین است. در عرض ۶۵ سال، افرایم آنقدر خرد خواهد شد که دیگر نمی‌تواند یک قوم باشد. سر افرایم سامره است و سر سامره فقط پسر رملیا است. اگر در ایمان خود استوار نباشید، به هیچ وجه پایدار نخواهید ماند.» اکنون اشعیا چیزی در مورد نقشه آحاز برای درخواست کمک از آشور نمی‌گوید. او به آن اشاره نمی‌کند. اما آنچه می‌گوید این است: «خدا از شما محافظت خواهد کرد. این اتفاق نخواهد افتاد.» یعنی آحاز به خاطر این افراد تاج و تخت خود را از دست نخواهد داد. این اتفاق نخواهد افتاد. این اتفاق نخواهد افتاد.

اما در پایان فصل ۷ آیه ۹: «اگر در ایمان خود استوار نباشید، به هیچ وجه پایدار نخواهید ماند.» کینگ جیمز در آنجا می‌گوید: «اگر ایمان نیاورید، مطمئناً پایدار نخواهید ماند.» گفته‌ی اشعیا این است که «شما به کمک قدرت‌های خارجی نیاز ندارید.» و مفهوم آن این است که اگر امنیت خود را در آنجا جستجو کنید، یعنی با توکل به چیزی غیر از خداوند، آنوقت این عذاب شما خواهد بود.» اگر ایمان نیاورید، پایدار نخواهید شد. اگر در ایمان خود استوار نباشید، به هیچ وجه پایدار نخواهید ماند.»

حال، ظاهراً، پاسخ آحاز شکاکانه است. و شما در آیات ۱۰ و پس از آن می‌خوانید که خداوند دوباره با پیامی اضافی می‌آید. آیه ۱۰ می‌گوید: «علاوه بر این، خداوند دوباره با آحاز سخن گفت و گفت: از خداوند نشانه‌ای بخواه. آن را یا در ژرفا بپرس یا در بلندی بالا. اما آحاز گفت: «من نخواهم پرسید و خداوند را نخواهم آزمود.» سپس اشعیا گفت: «ای خاندان داوود، بشنوید، آیا خسته کردن مردم برای شما چیز کوچکی است؟ آیا خدای مرا نیز خسته خواهید کرد؟ بنابراین خود خداوند به شما نشانه‌ای خواهد داد. اینک باکره باردار شده و پسری به دنیا خواهد آورد و نام او را عمانوئیل خواهد گذاشت. کره و عسل خواهد خورد تا بداند که از بدی امتناع ورزد و خوبی را

برگزیند. پیش از آنکه کودک بداند که از بدی امتناع ورزد و خوبی را برگزیند، سرزمینی که از آن می‌ترسید، توسط هر دو پادشاهش رها خواهد شد «بنابراین، آشکارا، آهاز شکاک بود خداوند با این پیام نزد اشعیا می‌آید: پسری بخواه. اگر به آنچه می‌گویم ایمان نداری، پسری بخواه. خداوند سپس ثابت خواهد کرد که آنچه می‌گویم حقیقت دارد. آهاز این حرف را با جمله‌ای که به نظر می‌رسد پارسایانه است، رد می‌کند: او نمی‌خواست خدا را وسوسه کند یا خدا را بیازماید. آهاز می‌گوید: «من نمی‌پرسم، و خداوند را نیز آزمایش نخواهم کرد.» من فکر می‌کنم آنچه واقعاً پشت این حرف است این است که او نمی‌خواست به خداوند اعتماد کند. او نمی‌خواست مسیری را که اشعیا پیشنهاد می‌کرد، در پیش بگیرد. آنچه او می‌خواست امنیت این اتحاد با آشور بود. این چیزی بود که او احساس می‌کرد تضمین می‌کند که رزین و پکاه او را از تخت سلطنت پایین نمی‌کشند. بنابراین او می‌گوید: «من با درخواست نشانه‌ای خداوند را نمی‌آزمایم»، اما اشعیا می‌گوید - آیه ۱۳ - ای خاندان داوود، بشنوید، آیا خسته کردن مردم برای شما چیز کوچکی است؟ آیا خدای مرا نیز خسته خواهید کرد؟ «در اینجا عنصری از سرزنش وجود دارد. بنابراین» خداوند به شما نشانه‌ای خواهد داد، باکره‌ای حامله شده پسری به دنیا خواهد آورد و نام او عمانوئیل خواهد بود «بنابراین، نشان عمانوئیل که در آیات ۱۳ تا ۱۶ آمده است را دریافت می‌کنید. و این مسئله تفسیر را مطرح می‌کند، که باز هم آسان نیست

من فکر می‌کنم حداقل تهدید حمله، آهاز را به اتحاد با آشور ترغیب کرد. اگر به آن بخش از سفر دوم پادشاهان نگاه کنید، حمله موفقیت‌آمیز نبود. دوم پادشاهان ۵: ۱۶ «آنها آهاز را محاصره کردند، اما نتوانستند بر او غلبه کنند. در آن زمان، رزین، پادشاه سوریه، ایلات را برای سوریه بازپس گرفت» - که در خلیج عقبه بسیار پایین‌تر است - «و یهودیان را از ایلات بیرون راند.» و سوری‌ها از آنجا به ایلات آمدند تا بمانند و بتوانند مقداری از قلمرو را تصرف کنند، اما واقعاً نتوانستند - آنها نتوانستند آهاز را فتح کنند. حال، آیه ۷ می‌گوید: «پس آهاز رسولانی نزد تیگلت-فیلسر فرستاد.» او رسولان را احتمالاً در انتظار آن حمله یا شاید حتی در حین آن، نزد تیگلت-فیلسر فرستاد. من فکر نمی‌کنم که تیگلت-فیلسر واقعاً دلیل عدم موفقیت حمله اولیه بوده باشد. اکنون، بدون شک، مردم رزین تسلیم نمی‌شدند. آنها برمی‌گشتند و دوباره این کار را انجام می‌دادند. اما ظرف دو سال آشور به دمشق حمله کرد و تهدید سوریه واقعاً از بین رفت. حمله اولیه موفقیت‌آمیز نبود. من فکر نمی‌کنم آشور در آن زمان مستقیماً درگیر شده باشد، اما سوری‌ها می‌توانستند دوباره برگردند. در این میان، آهاز آن اتحاد را با آشور برقرار کرده بود.

اشعیا ۷: ۱۳-۱۶ - رویکردهای مختلف ۱. کل متن به وضعیت فوری با آهاز اشاره دارد

وقتی به فصل ۷، آیات ۱۳ تا ۱۶ و این نشانه عمانوئیل می‌رسید، راه‌های مختلفی برای نزدیک شدن به این موضوع وجود دارد. برخی معتقدند که آیات ۱۳ تا ۱۶ همگی به وضعیت فعلی اشاره دارند. به عبارت دیگر، این آیه به مسئله حمله افرایم و سوریه می‌پردازد و معنای آن این است که کودکی در متن آن وضعیت متولد خواهد

شد. قبل از اینکه آن کودک به سنی برسد که بتواند بین خوب و بد تمایز قائل شود، آیه ۱۶، هر دو پادشاه دشمن از بین خواهند رفت. بنابراین همه اینها به وضعیت فعلی مربوط می‌شود.

حالا، فکر می‌کنم ایراداتی به این رویکرد وارد است. واقعاً عنصری از سرزنش را در خود جای نمی‌دهد. سرزنش آهاز کجاست؟ نشانه این است که این کودک به دنیا خواهد آمد و قبل از اینکه کودک خیلی پیر شود، هر دو پادشاه از بین خواهند رفت. اصلاً هیچ عنصر سرزنشی در آنجا وجود ندارد. این یک نعمت است. وعده تسلی است. این واقعاً آیه ۱۳ را کاملاً بی‌معنی می‌کند. آیه ۱۳ می‌گوید: «ای خاندان داوود، بشنوید، آیا خسته کردن مردم برای شما چیز کوچکی است؟ آیا خدای مرا نیز خسته خواهید کرد؟» به نظر می‌رسد که این سرزنش باشد. به نظر می‌رسد آنچه در ادامه می‌آید باید به نوعی حاوی عنصری از سرزنش باشد. بنابراین واقعاً حق مطلب را در مورد آیه ۱۳ ادا نمی‌کند.

علاوه بر این، وقتی به انجیل متی مراجعه می‌کنید، متی می‌گوید که این پیشگویی آمدن مسیح است. متی می‌گوید: «اینک باکره باردار شده، آبستن خواهد شد و پسری خواهد زایید و نام او را عمانوئیل خواهند نامید ۱:۲۳ که به معنای «خدا با ما» خواهد بود.» در آیه ۲۲ آمده است: «این همه برای آن انجام شد که آنچه خداوند به زبان نبی گفته بود، یعنی باکره باردار خواهد شد، به انجام رسد.» متی این را مستقیماً به تولد مسیح نسبت می‌دهد. بنابراین برخی همه اینها را به موقعیت فعلی اشاره می‌کنند، اما به نظر من این با توجه به عنصر سرزنش در متن، منصفانه نیست و مطمئناً با استناد عهد جدید که آن را به تولد مسیح نسبت می‌دهد

رویکرد دوم این است که برخی افراد کل متن را به مسیح منصفانه نیست. ۲. کل متن به مسیح اشاره دارد اشاره می‌کنند. ایده اینجا این است که با توجه به بی‌لیاقتی آهاز، خداوند او را با یک ساکن شایسته بر تخت داوود، یعنی مسیح، و عمانوئیل، جایگزین خواهد کرد. حال، این دیدگاه نیز مشکلات خود را دارد. مشکل این دیدگاه این است که ارتباط کافی با زمینه‌ی اصلی ندارد. این دیدگاه واقعاً در تفسیر آیات ۱۵ و ۱۶ که می‌گویند: «کره و عسل خواهد خورد، آنگاه که بداند چگونه از بدی دست بکشد و خوبی را برگزیند. زیرا پیش از آنکه کودک بداند که از بدی دست بکشد و خوبی را برگزیند، سرزمینی که از آن می‌ترسید، توسط هر دو پادشاهش رها خواهد شد.» این قطعاً به وضعیت فعلی اشاره دارد. این چگونه در مورد مسیح صدق می‌کند؟ بنابراین به نظر می‌رسد که دیدگاه اول که تمام آن را به وضعیت فعلی اعمال می‌کند، حق مطلب را در مورد آیه ۱۳ ادا نمی‌کند؛ و رویکردی که همه اینها را در مورد مسیح به کار می‌برد، حق مطلب را در مورد آیات ۱۵ و ۱۶ ادا نمی‌کند. برخی سعی کرده‌اند آیه را پیش‌بینی زندگی ساده مسیح در کودکی بدانند، اما به سختی می‌توان این را از آیه ۱۶ تشخیص داد. مطمئن ۱۵ نیستیم که حتی بتوانید این کار را با آیه ۱۵ انجام دهید.

حال، با توجه به دشواری‌های هر دو مورد اول، رویکرد تحقق چندگانه: پسر آهاز [حزقیا و مسیح ۳.

دیگری برخی را به سمت حمایت از تحقق چندگانه سوق می‌دهد، که از یک سو در یک کودک معاصر - شاید حزقیاء، پسر آحاز، یا فرزند اشعیا نبی - تحقق می‌یابد، اما از سوی دیگر در یک کودک معاصر نیز تحقق می‌یابد، و از سوی دیگر در مسیح نیز تحقق می‌یابد.

نماینده این دیدگاه والتر کایزر است. اگر به استنادات خود، صفحه ۱۳، نگاه کنید، من پاراگرافی از کتاب او در مورد الهیات عهد عتیق دارم. پس این کودک چه کسی بود؟ «شأن مسیحایی او کاملاً این تصور را رد می‌کند که او ممکن است پسر اشعیا بوده باشد که از دوشیزه‌ای [باکره] که پس از مرگ فرضی مادر شییر - یاشوب با یک پیامبر ازدواج کرده بود، متولد شده باشد.» برخی این را استدلال کرده‌اند. کایزر چنین کاری نمی‌کند. احتمال اینکه اشاره به دوشیزه‌ای قابل ازدواج یا دوشیزه ایده‌آل خاصی باشد که در زمان اعلام پیشگویی حضور داشته باشد، کمتر است، زیرا پیشگویی قطعاً از «باکره» گرفته است. «در اینجا دیدگاه خود اوست». بهتر است او را پسر خود آحاز بدانیم که از مادرش، آوی، دختر زکریا، در دوم پادشاهان ۱۸:۲ نام برده شده است، یعنی پسرش حزقیاء. کاملاً مشخص است که این تفسیر قدیمی‌تر یهودی بوده است، اما همچنین فرض بر این است که حزقیاء نمی‌تواند «نشانه پیش‌بینی شده در آیه ۷:۱۴ باشد، زیرا بر اساس گاهشماری‌های فعلی، او در آن زمان باید نه ساله بوده باشد این نکته آخر باید قبل از اتخاذ، به طور کامل مورد مطالعه قرار گیرد. گاهشماری اسرائیل و یهودا اثبات

نشده است. با این حال، تا جایی که به مسئله تفسیر مربوط می‌شود، می‌توانید آن را تا حدودی کنار بگذارید. بدون بحث در مورد این نکته در حال حاضر، «می‌خواهم» و نتیجه‌گیری او این است (جسورانه بگویم که تنها حزقیاء تمام خواسته‌های متن اشعیا را برآورده می‌کند، و در عین حال نشان می‌دهد که چگونه می‌تواند بخشی از آن «شخص مسیحایی اقلیمی باشد که تمام آنچه در این پیشگویی عمانوئیل پیش‌بینی شده است را تکمیل خواهد کرد

می‌بینید، او می‌گوید که هم حزقیاء و هم مسیح است. این حزقیاء است اما او بخشی جدایی‌ناپذیر از آن مسیحایی - مسیح - است که تمام آنچه پیش‌بینی شده را تکمیل می‌کند. این مفهوم کایزر از "پیشگویی عمومی" است که در آن شما این مفهوم فراگیر بزرگ را دارید که شامل بسیاری از جزئیات است. و او تلاش می‌کند تا از ایده تحقق دوگانه با چنین مفهومی اجتناب کند، اما من فکر می‌کنم که به وضوح می‌توان گفت که این "تحقق چندگانه" است، حتی اگر او آن را انکار کند. اما او احساس می‌کند که تحقق کامل پیشگویی شامل حزقیاء و مسیح می‌شود. او می‌گوید: "فقط در این، جدیدترین بخش وعده ابراهیمی-داودی، می‌توان دید که چگونه خدا هنوز با تمام قدرت و حضور خود "با" اسرائیل بوده است." در هر صورت، تفاسیر این بوده است که همه چیز فوری است، یا همه چیز آینده است، یا نوعی ایده تحقق دوگانه مانند ایده کایزر.

حالا، فکر می‌کنم ایراداتی به تحقق دوگانه وجود دارد. به نظر من، یک مشکل هرمنوتیکی در مورد معنای دوگانه یا چندگانه یک پیشگویی وجود دارد. آیا حزقیاء محصول تولد از باکره بود؟ من هیچ راهی نمی‌بینم که بتوانید چنین چیزی بگویید.

دیدگاه وانوی : سرزنش آحاز و وعده عمانوئیل ۴.

به نظر من راهی که می‌توان با این [موضوع] به راه حل رسید، و این دشوار است، اما به نظر من راهی که می‌توان به آن رسید این است که این کلمات در آیات ۱۳ تا ۱۶ را از یک سو به عنوان سرزنش آحاز و از سوی دیگر به عنوان تسلی برای قوم خداترسی که هنوز در آن سرزمین هستند، در نظر بگیریم. به عبارت دیگر، شما دو مخاطب متمایز دارید. و سرزنش آحاز این است: قرار است یک ساکن شایسته تاج و تخت جایگزین تو شود. این سرزنش است. تسلی برای قوم خداترسی که هنوز در آن سرزمین هستند، مخاطب دیگر این است، و اینجا جایی است که باید چیزی را معرفی کنید، اگر قرار باشد کودکی در حال حاضر به دنیا بیاید، قبل از اینکه آن کودک چند ساله شود، سرزمین از پادشاهان مهاجم آزاد خواهد شد.

به عبارت دیگر، اشعیا خطاب به خاندان داوود سخن می‌گوید. آیه ۱۳ می‌گوید: «ای خاندان داوود، بشنوید. آیا خسته کردن مردم برای شما چیز کوچکی است؟ آیا خدا را نیز خسته خواهید کرد؟» در آن زمان، خاندان داوود کسی را بر تخت سلطنت داشت که به اراده یا نبوت خداوند علاقه‌ای نداشت. آحاز به قدرت و خرد خود و اتحادش با آشور تکیه کرده بود. او نمی‌خواست به کلام خداوند از طریق اشعیا گوش دهد. اشعیا می‌گوید که خداوند قرار است این ساکن بی‌ارزش خاندان داوود را با کسی که از خدا پیروی خواهد کرد، جایگزین کند. او با نماینده واقعی خدا جایگزین خواهد شد: عمانوئیل، خدا با ما

گفته نشده که آن شخص چه زمانی می‌آید. به نظر من، این معمای مشکل تفسیری است: گفته نشده که آن شخص چه زمانی می‌آید. فرض این است که اگر او، طبق روال معمول بارداری، قبل از چند سالگی به دنیا می‌آمد، آن دو پادشاه تهدیدآمیز از بین می‌رفتند. این کلام برکت برای مردم خداترس است،

ما باید ساعت بعد بیشتر در این مورد بحث کنیم. اما به نقل قول‌های شما، صفحه ۱۵، ذیل رابرت و اشولز اشعیا و آحاز: تاریخچه مختصری از بحران در اشعیا ۷ و ۸ «نگاه کنید. بنابراین، در پاسخ به ناباوری آحاز»، بود که نشان تولد از باکره به آحاز و دیگران داده شد. به ساکن خانه داوود، که حتی از درخواست نشانه‌ای خودداری کرد، نشانه‌ای چنان خارق‌العاده داده خواهد شد که دست خدا را نمی‌توان انکار کرد. نشانه‌ای وجود داشت که حتی نشان سایه خورشید را در پیشروی معکوس خود کم‌رنگ و بی‌اهمیت می‌کرد. نشان این بود که باکره‌ای باردار می‌شود و فرزندی به دنیا می‌آورد. رویدادی چشمگیرتر از تولد اسحاق برای سارا در پیری

اما پس از اعلام دوراندیشانه‌ی اشعیا، این پیامبر به سوی دیگر، که هم‌ردیف مستقیم اوست، یعنی ائتلاف شامی-افرایمی، روی می‌آورد. او از الگویی پیروی می‌کند که به ویژه در نوشته‌هایش یافت می‌شود: او پیش‌بینی دوراندیشانه‌ی خود را با پیش‌بینی‌هایی که ممکن است معاصرانش مشاهده کنند، تأیید می‌کند. اشعیا دو پیش‌بینی می‌کند: یک پیشگویی دوراندیشانه در اشعیا ۷:۱۴ و ۱۵ که متی آنها را به عنوان تحقق یافته ثبت می‌کند، و یک پیشگویی کوتاه‌مدت در اشعیا ۷:۱۶ برای مخاطبانش تا شاهد آن باشند. این پیشگویی در صفحه ۱۶ برگه‌ی استناد

شما ادامه می‌یابد. می‌خواهم آن را دنبال کنم. می‌خواهم کمی بیشتر در مورد این موضوع بحث کنم، اما وقت ما تمام شده است. بیایید اینجا متوقف شویم و دفعه‌ی بعد به این سوال ادامه خواهیم داد.

رونویسی شده توسط آندرس جانسون
ویرایش اولیه توسط کارلی گیمن
ویرایش اولیه توسط تد هیلدبرانت
ویرایش نهایی توسط دکتر پری فیلیپس
روایت مجدد توسط دکتر پری فیلیپس